



## طرح یک فیلم کوتاه

# نیمه شب سگی



محمد فارضادی

موقعیت: شب، پارک تاریک و خلوت. یک نفر روی نیمکت پارک منتظر کسی نشسته است و با اضطراب به اطرافش نگاه می‌کند. فرد مورد انتظار می‌رسد.

نفر اول: چرا اینقدر دیر کردی؟ قرارمون ساعت ۱۱ بود، نه ۱۲:۳۰.

نفر دوم: باید مطمئن می‌شدم کسی تعقیبت نکرده باشه. محموله رو آوردی؟

نفر اول: آره، گذاشتم زیر پالتو.

نفر دوم: زیر پالتو چرا احمق؟ نمی‌گی بهت شک می‌کنن؟

نفر اول: خیالت راحت، پالتوش گشاده، مال زمان چاقی بابام بوده، کسی نمی‌فهمه زیرش چیزی قایم کردم.

نفر دوم: ایله واسه چیزی که زیرش قایم کردی نمی‌گم؛ وسط تابستون کاپشن پوشیدی، اون باعث شک می‌شه.

نفر اول: خب ترسیده بودم، راه دیگه‌ای به ذهنم نرسید. فقط خواستم هرچور شده سگم رو بیارم پارک.

نفر دوم: باشه حالا، بغضت رو جمع کن خرس گنده؛ از هیولت خجالت بکش. سگت رو آروم بنداز تو این ساک دستی که کنارت گذاشتم.

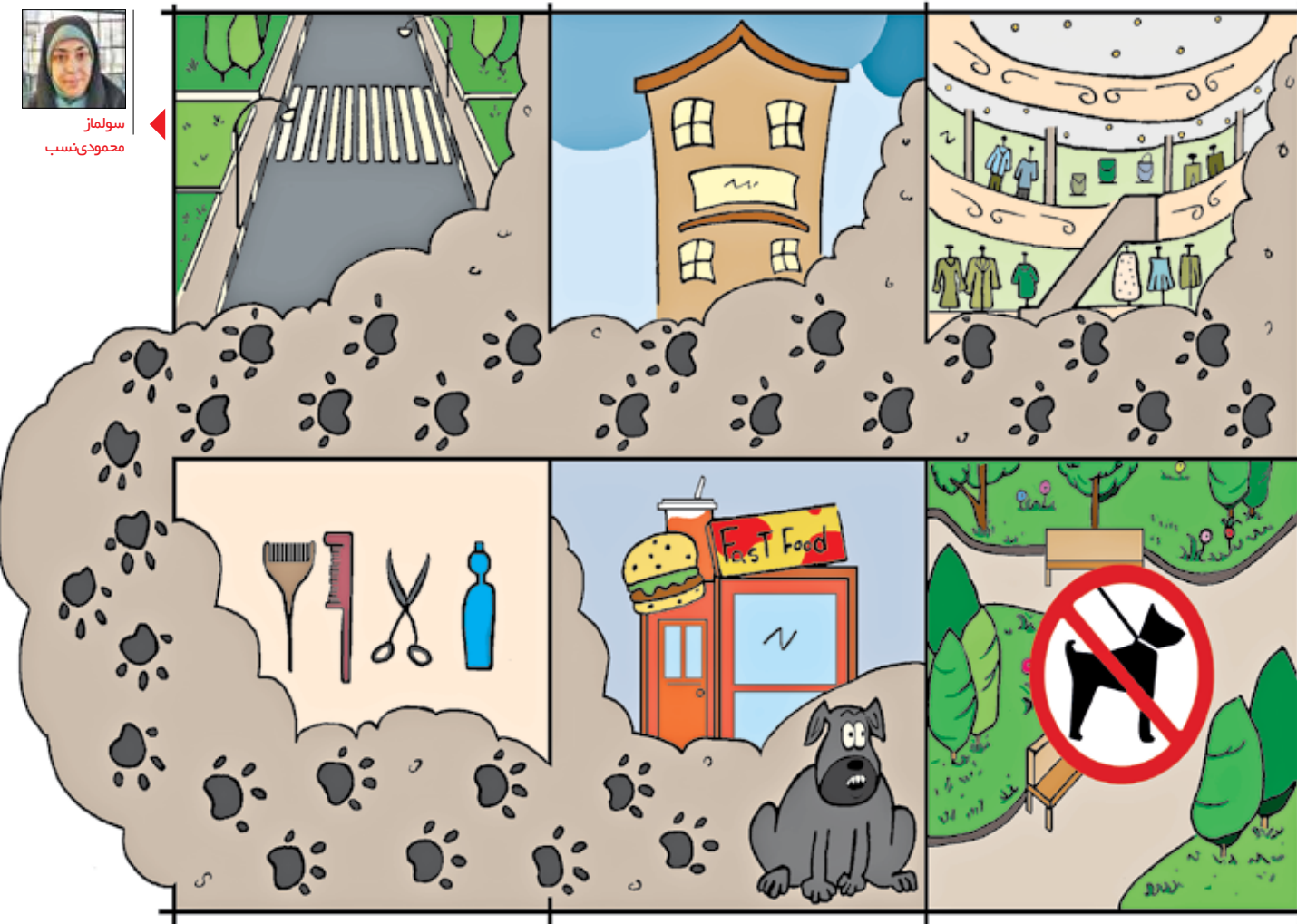
نفر اول: تو ساک دستی؟ خفه می‌شه اون تو؛ تازه از تاریکی هم می‌ترسه.

نفر دوم: نگران نباش، زبیش رو تا آخر نمی‌بندم، بتونه نفس بکشه. بعدش هم از تاریکی می‌ترسه چه صیغه‌ایه؟ مثلاً سگه‌ها!

نفر اول: من نمی‌دونم؛ من سگم رو این طوری تحویل نمی‌دم.

نفر دوم: می‌خواهی سگت رو ببرم بگردونم یا نه؟ اگه می‌خواهی تنها راهش همینیه که پلیس نفهمه. می‌دونی اگه من رو با سگت بگیرن حکم چیه؟

نفر اول: نه، حکمت چیه؟



سولماز محمودی‌نسب

## آیا پوتین با همه اینگونه رفتار می‌کند؟



سید مهدی موسوی

تحلیل زبان بدن پوتین در تهران

هفته قبل آقای پوتین به ایران آمد و عکس‌های متعددی پخش شد که در اینجا یکی از مهم‌ترین آنها را با هم بررسی می‌کنیم:

۱- در همان نگاه اول چیزی که مشخص است کفه قدرت سیاسی‌ای است که به طرف روسیه سنگینی کرده است؛ در اینجا ما تصویر سه روحانی بزرگ ایرانی را می‌بینیم و در مقابل یک روس کت و شلوار پوش، یعنی همه ایرانی‌ها با رهبران زنده و مرده یک طرف و عالیجناب پوتین هم طرف دیگر...

۲- با اینکه سعی شده میز و گل تقریباً در وسط دو طرف قرار داشته باشد همان طوری که مشخص است باز هم زور روس‌ها چربیده و طرف پرگل این سید به طرف پوتین است و این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با اینکه سعی کرده حفظ ظاهر کند ولی در خفا همان روس‌فیلی است که قبلاً بود.

۳- ننگ بزرگ‌تر از این که پرچم روسیه به تصویر رهبر فقید ایران نزدیک‌تر است تا پرچم ایران به تصویر رهبر فعلی؟ آیا ما کرور کرور شهید داده‌ایم که ایران اینگونه نوکر اجنبی بشود؟



۴- زاویه بازتر باهای آقای پوتین یا نشان از تحمیل اراده‌های خود بر طرف ایرانی دارد یا عرق سوز شده است، دقیق نمی‌دانم...

۵- به چهره گرفته آقای رئیسی و منتظر آقای پوتین توجه کنید، معلوم است پوتین از رئیسی صد تومن پول دستی خواسته و او نمی‌تواند نه بگوید، در واقع ما کسی را رئیس جمهور کرده‌ایم که از بچگی توانایی «نه گفتن» ندارد.

۶- به رنگ فرش دقت کردید؟ یک نوار سفید که پایین آن طرحی با پس زمینه آبی است، اطمینان دارم اگر زاویه عکس بازتر می‌بود پایین رنگ آبی به رنگ قرمز هم می‌رسیدیم، حال به پرچم روسیه دقت کنید، بعله روس‌ها حتی در کشور خودمان هم اینگونه ما را سرخه خاص و عام می‌کنند.

۷- به انگشت دست پوتین دقت کنید، در حال ذکر گفتن است!

پوتین هم دریافته که در ایران با حفظ ظاهر می‌شود کار را راه انداخت برای همین دارد الکی زیر لب ذکر چیزس کرایست می‌گوید.

## التماس خلاقیت



علیرضا سعیدی

- از حس تون برامون بگین. امروز، اینجا...  
- آد بود کو، دده.  
(مترجم زبان نی‌ها: ما انسان‌های نوپا، همین که توی این سن رو پای خودمون وایسادیم، نشون دهنده فکر و تدبیر مسئولان برای ماست.)

- آهان بله، بیشتر توضیح می‌دید؟  
- مدّ عود شو، موده.  
(مترجم زبان نی‌ها: ما از مسئولان هم تشکر می‌کنیم که هرچی می‌شه اولین کاری که می‌کنن پوشک رو گرون می‌کنن. از اینکه به فکر ما و آینده مایید ممنونیم.)

- خب از مشکلات تون بگید.  
- رو د بود غوده...  
(مترجم زبان نی‌ها: ما از همین حالا برای زندگی آماده می‌شیم دیگه. پوشکی که باید روزی ۵ بار عوض بشه، ۳ بار عوض می‌شه. همه مسئولیت خودمون رو خودمون برعهده می‌گیریم. همین نشون می‌ده که برای زندگی آماده‌ایم. درسته الان سخته، ولی به بوی

## چی کاره‌ایم؟

### حاشیه‌نگاری سفر بایدن به فلسطین اشغالی



منم یاری

بایدن: سلام دوست عزیز. داری چی کار میکنی؟  
مسئول استقبال از بایدن: دارم همراهی تون می‌کنم قربان.  
بایدن: برای چی؟  
م: م: برای اینکه راه رو نشونتون بدم.  
بایدن: حالا من باید چی کار کنم؟  
م: م: ۱۱ (مخفف مسئول مربوطه): باید همراه من بیایید دیگه بایدن: اونوقت بقیه چی کار می‌کنند؟  
م: م: اون‌ها هم پشت سر ما میان دیگه.  
بایدن: چرا پشت سر ما میان؟ با ما چی کار دارن؟  
م: م: مراقبمون هستن دیگه  
بایدن: مراقبمون هستن که چی کار نکنیم؟  
م: م: نه مراقبمون هستن تا بتونیم به کاری بکنیم.  
بایدن: دقیقاً چه کاری میکنیم که باید مراقبمون باشن. کار بدیهه؟  
م: م: نمی‌دونم بد یا خوب. به من گفتن با هم بریم داخل فلسطین به چرخ می‌زنیم حال و هوا تون عوض بشه.  
بایدن: اونوقت فلسطینی‌ها چیکار می‌کنن وقتی ما رو ببینن که داریم چرخ می‌زنیم؟  
م: م: احتمالاً بهتون خوش آمد میگن.  
بایدن: من در جواب خوش آمد شون چی کار باید بکنم؟  
م: م: بلد نیستید؟  
بایدن: از کجا باید یاد بگیرم؟  
م: م: در جواب خوش آمد فلسطینی‌ها همون کاری رو می‌کنیم که شما در مقابل خوش آمد سرخ پوست‌ها کردید. شما که دیگه استادی ماشالا.  
بایدن: ما چیکار کردیم مگه؟  
م: م: یادتون نمیاد.  
بایدن: چی رو؟  
آهان الان یادم اومد. الان ما تو فلسطین هستیم. قراره بریم به چرخ می‌زنیم.  
م: م: اولاً فلسطین نه اسرائیل، دوماً تازه این رو یادتون اومد؟ به مقدار تو به یاد آوردن تأخیرتون زیاده پس اون قبلی‌ها رو اصلاً یادتون نیما؟  
بایدن: کدوم قبلی‌ها؟ قبل من که ترامپ بود قبش هم کلینتون بود دیگه.  
نه بذار الان میگم... کارتر بود. نه واستا هولم نکن نوک زبونمه.  
م: م: نه اون قبلی‌ها منظورم نیست.  
کارهایی که قبلاً کردید رو میگویم.  
بایدن: وای خاک بر سرم شما هم شنیدید؟  
م: م: اصلاً ولش کنید. الان می‌خواهیم بریم تو اسرائیل به دور بزنیم...  
بایدن: منم میام.  
م: م: با هم میریم دیگه  
بایدن: فکر کردم با این می‌رید منو قال میذارید.  
م: م: با کی؟  
بایدن: همین که کنارتون داره راه می‌ره.  
ماشاءالله چه خوش برو رو هم هست.  
م: م: پیش من که کسی نیست  
بایدن: حالتون خوبه خانم؟ شما هم افتخار میدید با ما به دوری بزنیم؟  
م: م: آقای بایدن اینجا کسی نیست. پیش خبرنگارا آبرومون رفت.  
بایدن: مسئول مربوطه جان شما اصلاً نیاز نیست بیای. برو به کارت برس. ما خودمون دوتایی میریم. لطفاً بهم زنگ نزن.  
م: م: پس بازدید از اسرائیل چی میشه؟  
بایدن: اسرائیل دیگه کجاست؟ کشور جدید؟ زمان ما که اصلاً نبود.  
م: م: وای... شما برید به قرارتون برسید. من خودم برنامه‌هاتون رو می‌چینم.  
بایدن: منم همون اول گفتم بگید چی کار کنم بی خودی معطل کردی منو!

## مهربان‌تر باشیم...



سید محمدجواد طاهری

